

**فراسوی هگل تمامیت‌خواه: اخلاق و فلسفه‌ی دین در
تحقیقات معاصر درباره هگل**

توماس ای. لویس

ترجمه: محمد خیری

www.ketab.ir

انتشارات رمان سخن



سرشناسه

: لوئیس، تامس ا.، ۱۹۶۸-م.

: Lewis, Thomas A., ۱۹۶۸-

عنوان و نام پدیدآور

: فراسوی هگل تمامیت‌خواه: اخلاق و فلسفه‌ی دین در تحقیقات معاصر درباره هگل / توماس ای. لوئیس؛ ترجمه محمد خیری.

مشخصات نشر

: تهران: رامن سخن، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

: ۲۲ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.

فروست

: علوم اجتماعی: فلسفه

شابک

: ۶۵۰۰۰۰ ریال ۶۷۱۴-۶۲۲-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی

: فیبا

یادداشت

: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای با عنوان "Beyond the Totalitarian: Ethics and in Recent Hegel Scholarship the Philosophy of Religion" تالیف توماس ای. لوئیس از کتاب "compass Religion" است.

موضوع

: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰ - ۱۸۳۱م. — دیدگاه درباره فلسفه دین

موضوع

: Hegel, Georg Wilhelm Friedrich -- Views on Philosophy of religion

موضوع

: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰ - ۱۸۳۱م. — دیدگاه درباره فلسفه اخلاق

موضوع

: Hegel, Georg Wilhelm Friedrich -- Views on philosophy of ethics

موضوع

: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰ - ۱۸۳۱م. — نقد و تفسیر

موضوع

: Hegel, Georg Wilhelm Friedrich -- Criticism and interpretation

موضوع

: دین — فلسفه

: Religion -- Philosophy

: اخلاق — فلسفه

: Ethics -- Philosophy

شناسه افزوده

: خیری، محمد، ۱۳۵۷ - مترجم

رده بندی کنگره

: ۵۱BL

رده بندی دیویی

: ۲۱۰

شماره کتابشناسی ملی

: ۸۷۰۳۹۳۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی

: فیبا

آدرس: تهران خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین تلفن: ۰۹۳۶۵۹۵۶۰۶۸

فراسوی هگل تمامیت‌خواه: اخلاق و فلسفه‌ی دین در تحقیقات معاصر درباره هگل

نویسنده: توماس ای. لوئیس / مترجم: محمد خیری

شابک: ۶۷۱۴-۶۲۲-۹۷۸

انتشارات: تهران رامن سخن

نوبت چاپ: یکم، زمستان ۱۴۰۰

چاپ: مهرگان

تیراژ: ۱۵۰ عدد

نرخ: ۶۵۰۰۰ تومان

تمام حق و حقوق این کتاب برای مؤلف محفوظ می‌باشد.

مقدمه

پیشرفت‌های اخیر در تحقیقات هگل تحت تسلط دو موج است. موج اول با تمرکز بر درک پیچیده‌ی او از آزادی، دیدگاه غالب درباره اندیشه‌ی اخلاقی و سیاسی وی را تغییر داده است. موج دوم، که عواقبی تراژیک برای تفسیر فلسفه‌ی دین او دارد، هگل را به گونه‌ای قرائت می‌کند که پروژه‌ی انتقادی کانت را بسط می‌دهد، نه اینکه انکار کند.

این تفاسیر «پساکانتی»، به نفع قرائتی که بر ویژگی خودانگیخته و اجتماعی تفکر تمرکز دارد، اساساً متافیزیکی دانستن منطق هگل را رد می‌کند. تنها چند دهه پیش، فلاسفه و محققان انگلیسی زبان دین، هگل را به عنوان بازمانده‌ای جالب توجه قلمداد می‌کردند. از نظر برخی می‌توان او را نادیده گرفت؛ از نظر دیگران، اهمیت عمده‌ی او ریشه در نقش وی به عنوان پیش‌نیاز برای مارکس دارد.

از نظر بسیاری، نتیجه این بود که ارزش نداشت برای مطالعه‌ی هگل تلاش زیادی صورت بگیرد. اما اخیراً، تنوع وسیعی از تحقیقات به لحاظ تاریخی حساس و به لحاظ فلسفی پیچیده، تلاش بسیاری کرده‌اند تا بر کاریکاتورهایی از هگل که بر چشم‌انداز عقلانی انگلیسی-آمریکایی غالب بوده است، فائق آیند. این پیشرفت‌ها را می‌توان اجمالاً در دو موج دسته‌بندی کرد، که هر دوی آن‌ها امروز هم ادامه دارند. اولین موج، که

در دهه‌ی ۱۹۷۰ آغاز شد و آثاری همچون نظریه‌ی هگل درباره دولت مدرن (۱۹۷۲) نوشته‌ی اشلومو اوینری و هگل (۱۹۷۵) نوشته‌ی چارلز تیلور سردمدار آن بودند، عمیقاً دیدگاه غالب درباره اندیشه‌ی سیاسی و اخلاقی هگل را تغییر داده‌اند. این موج، با تأکید بر دغدغه‌ی هگل نسبت به آزادی فردی و عمق اشتراک وی با نظریه‌ی سیاسی، این دیدگاه را که هگل تمامیت‌خواهی است که راه را بر نازیسم هموار کرده است - چیزی که کارل پوپر (۱۹۶۶) مجسم کرده بود - از میان برداشت.

گرچه ایشان تعهدات لیبرال هگل را برجسته کرده‌اند، مکرراً وی را همچون منبع عقلانی‌ای برجسته برای اجتماع‌گرایان و دیگرانی که در رویه‌های اجتماعی به دنبال بصیرتی از اخلاق هستند، توصیف نموده‌اند. هگل با حمایت از این خانواده از چالش‌های لیبرالیسم رویه‌ای و تقریرات مختلف نظریه‌ی اخلاق کانتی، تبدیل به شخصیتی مهم برای آثار معاصر درباره اخلاق دینی شد. در حالی که موج اول دیدگاه‌های جدید دراماتیکی را نسبت به اندیشه‌ی اخلاقی و سیاسی وی باز کرد، اغلب تأکید کمی بر منطق او داشته و در برخی موارد - نه همه‌ی موارد - از این بحث کرده است که می‌توان اندیشه‌ی سیاسی و اخلاقی وی را فقط از طریق جدا کردن آن از بصیرت متافیزیکی‌ای که دیگر جدی گرفته نمی‌شود، نجات داد.

در مقابل، موج دوم به دنبال تغییر درک درباره منطق او، ارتباط وی با متافیزیک و نیز درکی زیربنایی از کل پروژه‌ی عقلانی او، بوده است. (مشارکت‌کنندگان در این موج نیز در رد تفاسیر تمامیت‌خواهانه از اندیشه‌ی اخلاقی و سیاسی هگل هم رای بودند؛ بنابراین همزمان در

موج اول نیز مشارکت دارند). این خانواده از تفاسیر که توسط اشخاصی همچون رابرت پپین و تری پینکارد رهبری شده و بر پایه‌ی تحقیقات مفصل درباره پیش‌زمینه‌ی تاریخی هگل بنا شده است، دین هگل به فلسفه‌ی نظری کانت و نقد متافیزیک را در مرکز توجه قرار دادند. این محققان که هگل را همچون بسط دهنده‌ی نقد متافیزیک کانت می‌دانستند و نه ردکننده‌ی آن، به نفع قرائتی از منطق هگل که بر ویژگی خودانگیخته و اجتماعی تفکر تمرکز دارد، تفسیر منطق هگل به عنوان آنچه اساساً متافیزیکی است (یعنی متوجه شناخت پیشینی از جوهر است) را رد کرده‌اند. گرچه غالباً به این قرائت‌ها به مثابه قرائت‌های «غیرمتافیزیکی» اشاره می‌شود، اما پینکارد می‌گوید چنین عنوانی بیشتر ابهام ایجاد می‌کند تا اینکه روشن‌گر باشد. در حالی که موج اول در تفسیر اندیشه‌ی اخلاقی و سیاسی او موفق بوده‌اند، اما این قرائت پساکانتی از هگل در مورد منطق و متافیزیک تا حد زیادی مناقشه‌انگیز باقی می‌ماند.

بحث من درباره وضعیت تحقیقات معاصر، از آن جهت این دو موج را دنبال می‌کند که بر تحقیق درباره دین تأثیر می‌گذارد. قسمت اول بر اندیشه‌ی سیاسی و اخلاقی هگل تمرکز دارد - یعنی دغدغه‌های اصلی موج اول - به دلیل اهمیتی که این‌ها در بحث‌های اخیر درباره اخلاق دینی داشته‌اند. در حالی که من تفاوت‌های مشخصی را در این تفاسیر مد نظر قرار می‌دهم، اما بر اشاره به توافقات عام پدید آمده تمرکز می‌کنم.

دومین قسمت به نحو مستقیم‌تری بر فلسفه‌ی دین هگل تمرکز دارد و سه خانواده از تفاسیر معاصر را از هم تمیز می‌دهد. برجسته‌ترین

تقسیم در میان این سه خانواده - میان دوتای اولی با سومی - به واسطه‌ی تفاوت میان کسانی که موج دوم ذکر شده در بالا را رد می‌کنند و کسانی که در آن مشارکت دارند، یعنی قرائت‌های به شدت پساکانتی، شکل می‌گیرد.

در اینجا آثار پوپین و پینکارد امکان‌های جدید مهمی را برای فهم تلقی هگل از دین پیشنهاد می‌کنند. هر دو قسمت بر تحقیقاتی تمرکز دارند که نمونه‌ای از مهم‌ترین موج‌ها در این مبحث هستند، در حالی که ضرورتاً آثار عالی دیگر و مولفه‌های مهم آن آثار را کنار می‌گذارند.^۱

www.ketab.ir